



روزنامه ویژه روزانه محرم الحرام ۱۴۳۸

## مضطرب نگردید

ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایع صبر و استقامت کردند، که آنچه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته اند و در راه خدا یک چنان مصائبی را تحمل کرده اند.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۱.



## بی مطالعه به منبر نروید

سوال به وجود می آید. چه کسی باید این را برطرف کند؟ من و شما باید برطرف کنیم. اگر شما نروید و آن خلا فکری را به شکل درست پُر نکنید، یا آن سوال و اشکال را برطرف نکنید، کس دیگری می رود و به شکل غلط، جواب او را می گوید. روحانی باید با اندیشه ناب اسلامی از بهترینش، مستدلترینش و قویترینش مجهز باشد. ما این طور اندیشه ها و حرفها، بسیار داریم. یک نفر مثل شهید مطهری رضوان الله تعالی علیه، یک جامعه دانشگاهی را در مقابل خود، به قبول و اذعان و تسلیم وا می داشت. در همان دانشکده ای که آن بزرگوار تدریس می کرد، کسانی بودند که به طور صریح، ضد دین تبلیغات می کردند و درس می گفتند. آن بزرگوار نرفت با آنها دعوا کند و دست به بقیه شود. حرف زد، فکر داد، حقایق را گفت؛ از ذهنیت صحیح استفاده نمود و فضا را قبضه کرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

در ماه محرم، معارف حسینی و معارف علوی را - که همان معارف قرآنی و اسلامی اصیل و صحیح است - برای مردم بیان کنید. بنده مکرر عرض کرده ام: منبر بی مطالعه رفتن؛ منبری که انسان برود، بگوید «حالا ببینیم چه خواهیم گفت» و هر چه به دهانش بیاید در منبر بگوید - گاهی حرف سست، گاهی خدای ناکرده نقل نادرست، خدای ناخواسته حرفی که موهن مذهب باشد - ناسپاسی در حق عاشوراست. آقایان محترم؛ روحانیون، علما و خطبای گرامی و زحمتکش و ارزشمند! امروز جوانان ما، با ذهن سیال خودشان سوالهایی دارند. این سوالها را نباید حمل بر ایرادگیری کنید. تا یک جوان سوالی کرد، بگوییم: «آقا، ساکت!» گویا دارد کفر می گوید! جوان است. ذهن جوان، سیال است. افکار غلط و استدلالهای نادرست، امروز در همه جای دنیا با توجه به روابط صوتی و بصری که وجود دارد، گسترده است. جوان ما، برایش



# هیئت کاملاً ایرانی ما!

اسمش مهم نیست؛ هیئت ایرانی، هیئت سیاسی، هیئت ولایی یا...، اما مهم است امسال هزار نوجوان ایرانی فهمیدند که برای مان مهم است که باید برایشان مهم باشد که با تعصب کالای ایرانی بخرند، برایمان مهم است که کارگر ایرانی شرمند خانواده اش نشود، برایمان مهم است که حرف ولی روی زمین نماند... امسال هیئت نوجوانان انصارالحسین (علیه السلام) زیر علم ولایت خیمه علم کردند... هیئت ما امسال، چند نفری را از بیکاری نجات داد، دل خانواده ای را شاد کرد، و لبخند را بر لبان کودک ایرانی نشان داد... یاد آمد به صحبت حجت الاسلام پناهیان؛ می گفتند در هیئتی که دغدغه مبارزه با اسرائیل نباشد، شمر هم سینه می زند... به نظرم رسید در هیئتی که دغدغه گرسنه ماندن کودکان و پارهنگان نباشد، که دغدغه فرمان ولی نباشد، حتما شمر پاکوبی و هلهله می کند.

سید سجاد پادام

امسال هیچ بنری چاپ نکردیم، از هیچ رنگ و قلم خارجی استفاده نکردیم، هیچ هدیه غیر ایرانی نخریدیم، هیچ لامپ خارجی مجلسمان را روشن نکرد، هیچ پارچه خارجی علم نکردیم، امسال حتی از هیچ خوراکی و تغذیه ای که بوی خارجی بودن از آن استشمام می شد هم استفاده نکردیم... امسال هیئت نوجوانان ما به جای بنر، فقط با پارچه و کتیبه مزین شد، رنگ و قلم موی ایرانی خریدیم و با هنر دانشجویان هنرمند ایرانی، طرح عزای اباعبدالله بر آن زدیم... امسال برخلاف سال های پیش که اسباب بازی و لوازم التحریر و روسری چینی می خریدیم، دفتر و خودکار و شال و چادر ایرانی خریدیم، امسال برای پذیرایی حتی از کیک هایی که کاغذ جلدش خارجی بود، استفاده نکردیم، کیک یزدی دادیم، موز ایرانی به سختی گیر آوردیم و توزیع کردیم، و با حلوای ایرانی پذیرایی نمودیم.

## ای آگاهان امت!

جامعه مسلط کرد، شما به زندگی دنیایی چسبیده اید و حاضر نیستید از آن جدا شوید.

اما بدانید که هر کس در راه خدا کشته نشود، عاقبت می میرد. آیا گمان می کنید اگر شهید نشوید تا ابد زنده می مانید؟ اما اگر شهید نشوید، مدتی بعد با ذلت می میرید.

برشی از خطبه امام حسین (ع) در برابر علمای اسلام و صحابی معروفی پیامبر (ص) در سرزمین منایک سال قبل از واقعه عاشورا

اگر حاضر بودید زیر بار شکنجه و توهین، مخالفت کنید و در راه خدا رنج ببرید، حکومت در دست صالحان بود، اما شما در برابر بی عدالتی و ستمگران، تمکین و امور الهی و حکومت را به اینان تسلیم کردید، حال آنکه آنان به شبهات عمل می کنید و طبق شهورات خود حکومت می کنید و دین را از حکومت تفکیک کردند. فرار شما از مرگ، اینان را بر



چشمه جوشان خون مبارک  
سیدالشهداء منشا حیات رضوانی  
انسان و همه آفرینش است.  
شهید سید مرتضی آوینی



## عبدالله بن مطیع امام را نصیحت می کرد!

به او گفتم که چرا گریه می کنی؟ گفت: آخر شما دختران پیغمبرید. گفتم: اگر می دانی که ما دختران پیغمبر هستیم، پس چرا با ما این گونه برخورد می کنی؟ گفت: آخر اگر من خلخال را از پایت در بیاورم، یکی دیگر می آید و چنین می کند. کاری است که باید بشود. پس چرا من نکندم؟

از این تیپ آدم‌ها در کوفه زیاد بودند. البته توجه داشته باشیم که کوفیان از ابتدا آدم‌های اساساً فاسدی نبودند. فرزندق شاعر در راه مکه می بیند که سیدالشهدا (ع) به طرف کوفه می آیند. امام از او می پرسند: وضع کوفه چطور است؟ فرزندق جواب می دهد: «مردم دل‌هایشان با نوست و شمشیرهایشان با آن‌هاست. بهتر است از همین جا برگردید». بعد هم احکام فقهی طواف را از امام حسین (ع) می پرسد و نمی پرسد که این وسط، وظیفه من چیست. آیا من هم باید با تو بیایم یا نه؟ می گوید آقا، التماس دعا داریم. خدا حافظ شما. سیدالشهدا (ع) به فرزندق می گویند: «فرزندق آیا تو می دانی که ما چرا با این‌ها درگیر شدیم؟ زیرا اینان نه تنها فساد می کنند، بلکه سرشان را بالا می گیرند و فساد می کنند. یعنی فساد را در خانه‌ها و خیابان‌ها علنی و موجه می کنند. کثافت کاری‌های خود را تئوریزه می کنند و قبیح آن را می شکنند. سرشان را بالا می گیرند و ظلم می کنند و بیت‌المال را بالا می کشند». «وَ أَبْطَلُوا الْحُدُودَ، وَ شَرَّبُوا الْخُمُورَ؛ یعنی قانون خدا و قانون دین را در زندقگی و حکومت، تعطیل کرده‌اند و شراب می خورند. «وَ اسْتَأْثَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ» اموال فقرا و حقوق مستضعفین و گرسنه‌ها را بالا می کشند.

حسن رحیم پور ازغدی

یکی از نمونه افرادی که در حادثه کربلا حضور داشتند «عبدالله بن مطیع» است که در نصایح احمقانه‌اش به سیدالشهدا (ع) می گوید: آقا، حرمت قریش، حرمت عرب و حرمت اسلام را حفظ بفرمایید. یعنی بحث ملیت و قومیت و نژاد و مذهب، همه را پیش می کشد. می داند که فضای سیاسی کوفه با ورود مسلم بن عقیل، خیلی حسینی شده بود و بعد در یک برنامه نظامی و تبلیغاتی و شبه کودتا ناگهان فضا بیزیدی شد و سپس ستاد بحران به وجود آمد و حکومت نظامی اعلام شد و هوا پس شد و ناگهان اطراف مسلم بن عقیل خالی شد. نقل شده که خیلی از زنان کوفه، دست مردهایشان را می کشیدند که بیارویم، بقیه هستند. بیعت با حسین (ع)، به جای خود؛ ولی بقیه هستند، تو بیارویم. همین‌طور، همه گفتند: «بقیه هستند، بقیه هستند» تا دیگر کسی نماند. البته زنان بسیار فداکار و بزرگی هم در کوفه بودند که محکم‌تر از شوهران و برادرانشان در صف حسین (ع) بودند؛ ولی تیپ غالب کوفه، همین بود که عرض کردم؛ همان تیبی که وقتی فاطمه - دختر نوجوان حسین بن علی (ع) - در عصر عاشورا اسیر می شود و دشمنان به خیمه‌ها یورش می آورند، می گوید: «من دیدم همه مردان شهید شدند و این جلادها به طرف ما حمله آوردند و می خواهند غارت کنند و گردن بند و خلخال را از ما بکنند و ما را اسیر بگیرند. چند نفر به سوی من آمدند. من ترسیدم. نمی دانستم به چه قصدی به طرف من می آیند. فرار کردم. به دنبال دویبند و من زمین خوردم. یکی از آنان بالای سر من آمد و شروع کرد به باز کردن خلخال از پای من و در حالی که خلخال را از پای من می کشید، گریه هم می کرد.

## به فریاد ما برس حسین!

سیدالشهدا (ع) نامه نوشتند و خواستار آمدن امام از حجاز به عراق (کوفه) شدند، تا با زمامداری او حق و عدل را استقرار بخشند و باطل و ظلم را از جامعه اسلامی برانند، در آن نامه از سیطره متکاتران بر مردم و بلعیدن اموال مستضعفان، دردگزاری فراوان کرده آن را می نکوهند...

این دو بزرگمرد مجاهد، از جمله در نامه خود - خطاب به امام حسین (ع) چنین می نویسند: «... وجعل مال الله دوله بین جبارتها و اغنیائها...» یعنی «بیزید، مال خدا (اموال عمومی) را در اختیار سرمایه داران جبار و توانگران... قرار داده است».

بحار، ج ۴، ص ۳۳۳ ... و مال خدا چیزی جز مال طبقات مختلف اجتماعی و مستضعفان نیست. و این ایستار قاطع، به نوبه خود، نشان می دهد که پیشینیان انقلابی شیعه در آن اهتمام داشتند که عدالت اقتصادی و معیشتی را اجرا کنند.

محمد رضا حکیمی  
الحیات، جلد ۶، صفحه ۴۰۳

شیعه از اسلام محمد (ص) و علی (ع) پیروی می کردند و می کنند؛ نه اسلام اوده به انواع جهل، انحراف، تحریف، ارتجاع و... یا سازش با کسانی که می خواهند عدالت را به فراموشی سپارند. از این رو در برابر ستمگران می ایستادند و با استکبار و مستکبران سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به مبارزه برمی خاستند و در مقابل متکاتران و مترفان و فرعون‌های مسرف سر فرود نمی آوردند و خود را به قبول تکاثر و ستم و استضعاف اقتصادی تسلیم نمی کردند و به پر خوری ستمگران مالی و گرسنه ماندن ستمدیدگان رضامندی دادند و نمی پذیرفتند که اموال وسیله ای در دست توانگران و ثروتمندان باشد. یک نمونه از آنچه گفته شد، ایستار صحابی علوی بزرگوار، حبیب بن مظاهر اسدی - شهید عاشورا بی معروف - و صحابی بزرگوار جنگنده در رکاب علی (ع) در دو جنگ جمل و صفین - و شهید توابع در خونخواهی عاشورا - سلیمان بن صد خزاعی است. هنگامی که آن دو به حضرت

به گونه ماه  
نامت زباز آسمان‌ها بود  
و پیمان برادری ات  
با جبل نور  
چون آیه‌های جهاد  
محکم  
تو آن راز رشیدی  
که روزی فرات  
بر لب آور  
و ساعتی بعد  
در باران متواتر پولاد  
بریده بریده  
افشا شدی

و باد  
تو را با مشام خیمه گاه  
در میان نهاد  
و انتظار در بهت کود کانه حرم  
طولانی شد  
تو آن راز رشیدی  
که روزی فرات  
بر لب آور  
و کنار درک تو  
کوه از کمر شکست

سید حسن حسینی